



Criminal Policy Against the Smuggling of Petroleum Products in Islamic Teachings and International Requirements

Saber Pourajam¹, Adel Sarikhani^{*2}

1. Ph.D Student, Department of Criminal law and Criminology, Qom University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal law and Criminology, Qom University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 91-104

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-0476-3473

TELL: +989123515054

Email: adelsari@yahoo.com

Article history:

Received: 07 Apr 2023

Revised: 22 May 2023

Accepted: 30 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Criminal Policy, Oil Product Smuggling, Islamic Teachings, International Requirements.

ABSTRACT

Smuggling of oil products as an example of goods smuggling in the world, including oil-rich countries such as Iran, is known as an important challenge. For this reason, creating a mechanism to deal with it, as well as embedding ways to prevent it is an important part of the criminal policy of Iran as well as international law. The aim of the current research is to investigate the issue of petroleum product smuggling in Islamic teachings and international requirements using the descriptive-analytical method to find a way to prevent petroleum product smuggling. Now the question is, what is the criminal policy of the Islamic Republic of Iran regarding the smuggling of petroleum products in the light of Islamic teachings and international requirements? Our hypothesis is that Islamic teachings is superior to international requirements in the areas of smuggling and its social and political effects. In addition, Iran's criminal policy regarding the smuggling of petroleum products, under the influence of Islamic teachings, in the legislative, judicial and executive criminal and non-criminal policy, shows the rule of justice and the fight against corruption in Islamic law.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Pourajam, S & Sarikhani, A (2023). "Criminal Policy Against the Smuggling of Petroleum Products in Islamic Teachings and International Requirements" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 91-104.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می باشد.

مقدمه

قاچاق و مصادیق آن از جمله قاچاق فرآورده‌های نفتی یکی از چالش‌های اساسی علیه نظم و امنیت داخلی کشورها و همچنین نظام بین‌الملل است. بر همین اساس، یکی از دغدغه‌های اساسی کشورهای در حوزه‌های داخلی و همچنین نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در عرصه نظام بین‌الملل، تلاش برای ایجاد سیاست جنایی اعم از کیفری و غیر کیفری برای مقابله با قاچاق است. به‌طور مشخص، قاچاق فرآورده‌های نفتی یکی از جرایم مهمی است که به‌طور مستقیم برنامه‌های اقتصادی دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب وصول نشدن بخش مهمی از یارانه پرداختی متعلق به فرآورده می‌شود که با تحلیل اقتصادی و وضع قواعد و مقررات مناسب می‌توان آن را کنترل نمود. دقت در مقررات و برنامه‌های دولت در رابطه با قاچاق فرآورده‌های نفتی، اهمیت آن را در حوزه اقتصاد ایران نشان می‌دهد. با توجه به این که قانون‌گذار، قاچاق فرآورده‌های نفتی را نیز در زمره جرایم اقتصادی تلقی نموده و با نگاهی به مبنای جرم‌انگاری و علت‌شناسی آن به‌ویژه از منظر اقتصادی، جایگاه قاچاق فرآورده‌های نفتی به‌عنوان یک پدیده حقوقی در حوزه نظری و تجربی اقتصاد نیز نمایان می‌شود.

در گرایش به قاچاق فرآورده‌های نفتی در ایران، عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، سیاسی و فرهنگی سهم دارند. بالا بودن قیمت فرآورده‌های نفتی در کشورهای همسایه و همچنین دیگر کشورهای جهان و اعمال یارانه بر فرآورده‌های نفتی، دلیل اصلی قاچاق فرآورده‌های نفتی است. شفاف نبودن و بی‌ثباتی و تغییرات پی‌درپی مقررات بازرگانی و سیاست‌های اقتصادی نادرست یا کوتاه‌مدت و فصلی یا حتی روزانه، شرایط نامطمئن و غیرقابل‌پیش‌بینی ایجاد می‌کند که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری قانونی را کاهش و گرایش به سوداگری و قاچاق را افزایش می‌دهد و از طرفی حضور در یک اقتصاد منزوی و فاصله گرفته از اقتصاد باز جهانی و عدم پیوستن یا تبعیت از مقرره‌های سازمان تجارت جهانی و تحریم‌های اقتصادی، گستردگی مرزهای کشور و مصلحت‌اندیشی‌های مسئولین در مناطق مرزی برای تسکین درد بیکاری و ده‌ها عامل

ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای را می‌توان برشمرد که در قاچاق فرآورده‌های نفتی مؤثرند. به همین دلیل بررسی سیاست‌های جنایی در قبال قاچاق فرآورده‌های نفتی از جمله ضرورت‌هایی است که پژوهش حاضر را واداشته است که بدان پردازد.

جستار حاضر با بررسی نقش سیاست جنایی در قبال قاچاق فرآورده‌های نفتی در آموزه‌های اسلامی و الزامات بین‌الملل، به بررسی برخی از آثار مهم قاچاق فرآورده‌های نفتی در جامعه و حتی نظام بین‌الملل می‌پردازد. بدیهی است دراثناي مباحث، بررسی رویکرد کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی و همچنین آموزه‌های اسلامی در زمینه آثار و پیامدهای قاچاق موردبررسی قرار گیرد و به‌تبع آن نیز سیاست‌های جنایی منبعت از آموزه‌های دینی نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۱- مفاهیم

۱-۱- سیاست جنایی

سیاست جنایی از جمله اصطلاحاتی نوینی است که مخصوصاً با تحولات صنعتی و اندیشه‌ای در غرب متداول شد. شواهد تاریخی نیز این موضوع را تأیید می‌کند که اصطلاح سیاست جنایی را نخستین بار آنسل فوئر باخ حقوق‌دان آلمانی در سال ۱۸۰۳ میلادی به‌کار برد. تعریف مشهور وی در بعد مضیق، این است: «سیاست جنایی مجموعه روش‌های سرکوبگری است که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد». این تعریف تصویری از حقوق فردی کلاسیک است (لازرز، ۱۳۷۵: ۹). باین‌حال با گذر زمان، تعاریف جدیدی به سیاست جنایی اضافه شد که بیانگر شیوه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که دولت‌ها برای سامان بخشیدن به نظم اجتماعی جامعه خویش از آن بهره می‌برند. از این منظر، سیاست جنایی شامل کلیه شیوه‌ها و روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع (دولت و جامعه)، از طریق آن‌ها پاسخ‌گویی به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد (دلماز مارتی، ۱۳۹۳: ۶۹).

درنهایت می‌توان گفت که سیاست جنایی از یک هسته مرکزی با عنوان نظام کیفری (حقوق جزا) برخوردار است که حول این مرکز اقماری قرار دارند که نظام کیفری را در پاسخ به پدیده مجرمانه یاری می‌دهند و بنابراین برخلاف گذشته نظام کیفری انحصاری وجود ندارد؛ که از مهم‌ترین اقرار

قاچاق در ترکی به معنای فراری است، قاچاقچی نیز در این فرهنگ لغت به کسی اطلاق شده است که اشیاء قاچاق را خرید و فروش می‌کند (رضویه، ۱۳۸۸: ۸۲۵) و در نهایت اینکه در ترمینولوژی حقوق، قاچاق در معنی زیر نیز آمده است: «حمل کالا از نقطه‌ای به نقطه دیگر که مخالف مقررات حمل و نقل باشد و قانون آن را جرم بشناسد و همچنین خرید و فروش اجناس مذکور و یا نگهداری آن‌ها و خود اجناس مذکور» (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۸۲۹).

۱-۳- فرآورده‌های نفتی

فرآورده‌های نفتی واجد یک تعریف عام و خاص است زیرا برداشت و تفسیری که از این فرآورده‌ها می‌توان ارائه داد چهره‌ای دوگانه دارد که در هر دو تفسیر تعریف بر پایه مصادیق بنا گردیده است و ظاهر نیز دلالت بر آن دارد. در تعریف عام فرآورده‌های نفتی شامل صدها هزار ماده‌ای خواهد بود که از نفت خام استخراج می‌شود و البته دارای مالیت باشد؛ اما مفهوم خاص فرآورده‌های نفتی مطابق آنچه در برخی مقررها به چشم می‌خورد بر پایه مصداق‌گرایی مضیق‌تر و دامنه مصادیق آن نیز محدودتر می‌باشد. به عنوان نمونه واحد در مقرره‌های موجود و قابل اجرا در جمهوری اسلامی ایران متن مصوبه هیأت وزیران به شرح زیر شایان توجه و ذکر است که دستورالعمل اجرایی بند (ط) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور در مواردی فرآورده‌های نفتی را به انواعی تقسیم نموده و مصادیق آن را نیز ذکر نموده است. در این مصوبه هرچند می‌توان تمثیلی بودن مصادیق مذکور در مصوبه را استنتاج نمود اما آنچه مصوبه یادشده را از نظر هیأت وزیران گذرانده است توجه به مصادیق بوده است که در این مصوبه در بندهای «ب» و «پ» ماده ۱ مصوبه فرآورده‌های نفتی اصلی و فرآورده‌های نفتی آلوده به مواد غیرنفتی مورد توجه قرار گرفته است که با دقت در بند «ت» که قاچاق سوخت را تعریف نموده و مقرر نموده: «هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی ورود و خروج فرآورده‌های نفتی گردد و بر اساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، قاچاق سوخت محسوب می‌شود» می‌توان دریافت که مفهوم خاص فرآورده‌های نفتی مدنظر بوده است؛ زیرا هرچند

معین نظام کیفری می‌توان به حقوق اداری، حقوق تجارت، حقوق پزشکی و... اشاره نمود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۵۰۹). سیاست جنایی هرچند با نام دولت گره خورده است، اما در ابعاد بین‌المللی نیز گسترش یافته است و طیفی از روش‌های مختلف در زمینه مقابله با موضوعات مختلف دیده می‌شود. ضمن اینکه برحسب گرایش‌های مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلف، انواعی از سیاست‌های جنایی دیده می‌شود.

۱-۲- قاچاق

واژه قاچاق نیز در فرهنگ لغت‌ها بدین شکل مورد توجه قرار گرفته است. قاچاق از نظر دهخدا به معنای برده، ربوده، آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۱). همچنین در فرهنگ لغت معین در باب قاچاق چنین آمده است: قاچاق: ۱. کاری برخلاف قانون که پنهانی انجام شود. ۲. متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است (معین، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

همچنین، قاچاق تحت عنوان خرید و فروش اجناس به طور غیرقانونی یادشده و قاچاقچی را کسی تعبیر نموده‌اند که به معاملات غیرقانونی می‌پردازد و کالا را از بیراهه برد و همچنین گریختن از وظیفه یا وضعیتی عنوان گردیده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۷۲۹۴). همچنین در فرهنگ معین به شرحی که گفته شد به معنی کاری که برخلاف قانون که به صورت پنهانی انجام گیرد و متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع باشد و قاچاقچی نیز به کسی گفته می‌شود که امتعه ممنوع‌الورود را بدون کسب اجازه از دولت و پرداخت وارد گمرک کند یا کسی که با کالاهای ممنوعه معامله کند و قاچاق کردن نیز به این معنا است که متاعی را پنهانی وارد کشور کرده و عوارض گمرکی آن را نپردازیم و در نهایت قاچاقی نیز در مفهوم به نحو قاچاق حمل کردن یا به طور پنهانی و غیرقانونی آمده است (معین، ۱۳۸۸: ۲۶۰۸) و درجایی دیگر مأخوذ از ترکی، تردستی، کاری که پنهانی و با تردستی انجام گیرد و خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت و یا معامله آن ممنوع است، وارد و یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آن‌ها ممنوع است، همچنین

ابتکاری در کنترل مرزها تبدیل شد (Sharon, 2006: 9). به نظر می‌رسد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عمدتاً بر پایه تدابیر کنترلی و نظارتی سعی در سخت کردن دسترسی به آماج، افزایش خطر ارتکاب و درنهایت فرصت‌زدایی از بزه‌کاران بالقوه دارد. درواقع، اگر کاهش بیکاری امری مشکل باشد، در عوض تأثیرگذاری بر اوضاع و احوال مادی تشکیل‌دهنده فرصت‌های بزه‌کاری امکان‌پذیر است (بچر و کلوز، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۴۱).

علاوه بر موارد مطرح‌شده، کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های مختلف بین‌المللی در زمینه مبارزه با قاچاق، بیش از همه آثار و پیامدهای آن را مورد توجه قرار می‌دهند و از دولت‌های عضو می‌خواهند که با به‌کارگیری رویه‌های خاص خود، زمینه‌های شکل‌گیری قاچاق را از بین ببرند. به‌عنوان مثال، در ماده ۳۷ کنوانسیون مبارزه با فساد چنین بیان شده است: «هر کشور عضو، اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا افرادی را که در ارتکاب جرم احراز شده بر طبق این کنوانسیون شرکت می‌کنند یا کرده‌اند، ترغیب نمایند تا اطلاعات مفید را به مراجع صلاحیت‌دار برای اهداف تحقیقاتی و استنادی ارائه دهند و کمک واقعی ویژه به مراجع صلاحیت‌دار نمایند تا به محروم کردن مجرمان از عواید جرم و پس گرفتن چنین عوایدی کمک شود» (کنوانسیون مبارزه با فساد، ۲۰۰۳: ۲۵).

به‌علاوه تسری قاچاق به کشورهای مختلف بر اثر عوامل مختلفی از جمله مرزهای مشترک و جهانی‌شدن تجارت و تعریف آن به‌عنوان یکی از انواع جرایم سازمان‌یافته فراملی باعث شده تا کنوانسیون‌های بین‌المللی، الزامات آموزشی و دستوری را نیز سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دهند. در همین زمینه، ماده ۲۹ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره جرایم سازمان‌یافته فراملی در حوزه‌های فنی و آموزشی چنین توصیه می‌کند:

«تمامی کشورهای عضو، برحسب ضرورت به‌منظور تدوین، توسعه و یا بهبود برنامه‌های ویژه آموزشی برای مجریان قانون، شامل دادستان‌ها، قضات تحقیق و کارکنان گمرک و سایر کارکنان دست‌اندرکار پیشگیری، کشف و کنترل جرایم موضوع این کنوانسیون، اقدام خواهند کرد. این برنامه‌ها می‌تواند شامل مبادله و

عنوان بند یاد شده قاچاق سوخت است اما در متن صراحتاً بدون اشاره به سوخت ورود و خروج فرآورده‌های نفتی را مدنظر قرار داده است. از سویی دیگر در کلیه متون و دستورالعمل‌های صادره از شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی ایران منظور از فرآورده‌های نفتی موارد مزبور در مفهوم خاص مدنظر بوده است (آقازاده، ۱۳۸۲: ۹۰).

۲- الزامات بین‌المللی در زمینه مبارزه با قاچاق

در عرصه‌های بین‌المللی و الزامات شکل‌گرفته در نزد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، به‌طور خاص به مسأله قاچاق فرآورده‌های نفتی پرداخته نشده است. با این حال، الزاماتی که در زمینه مبارزه با قاچاق کالا، فساد ناشی از قاچاق، آثار و پیامدهای آن دیده می‌شود که به‌معنای وجود اصولی در این زمینه است. به‌طور مشخص، آموزه‌ها و الزامات بین‌المللی بیانگر قواعدی کلی و البته توصیه‌ای برای کشورهای عضو است که برای جبران خطرات ناشی از قاچاق می‌بایست برخی اصول را مدنظر قرار دهند. به‌علاوه اینکه، تحولات ناشی از پیشرفته شدن بزه‌کاران و بزه‌کاری منجر به پیشرفته شدن بزه‌دیدگان، تدابیر و واکنشگران پیشگیری از وقوع جرم شده است. لذا دولت‌ها و مردم برای کنترل جرایم و پیشگیری از بزه‌دیدگی، از طریق به‌کارگیری فناوری‌های نوین سعی در افزایش خطر ارتکاب جرم، کاهش برانگیختگی مجرم، افزایش تلاش مجرم و... دارند (Tilley, 2005: 286-287). این موضوع به‌طور خاص می‌تواند شامل قواعدی باشد که به مسأله قاچاق فرآورده‌های نفتی نیز می‌پردازند. زیرا با پیشرفته شدن تجهیزات و وسایل قاچاق، لزوم بررسی شیوه‌ها و پیامدهای آن امری ضروری است.

قوانین بین‌المللی در زمینه مبارزه با قاچاق، الزاماتی را برای دولت‌های مختلف ایجاد می‌کند که جهت مقابله با فساد، بیکاری، افزایش فاصله طبقاتی، جرم و جنایت، نیازمند اتخاذ رویه‌های مختلفی است. با این حال، در زمینه قاچاق نیز پاسخ دولت‌ها به تحرکات کنترل نشده در مرزها ادامه داشته تا به امری بسیار پیچیده و گسترده، همراه با به‌کارگیری فناوری‌های زیاد، مجازات‌های روبه افزایش و روش‌های

انتقال موقت کارکنان باشد. این برنامه‌ها به‌ویژه و تا حدی که قانون داخلی اجازه می‌دهد، به موارد زیر پردازند:

- روش‌های مورد استفاده در پیشگیری، شناسایی و کنترل جرایم موضوع این کنوانسیون؛

- مسیرها و فنون مورد استفاده اشخاص مظنون به دخالت در جرایم موضوع این کنوانسیون شامل مسیرها و فنون مورد استفاده در کشورهای ترانزیت، و تدابیر پیشگیرانه مناسب؛

- پایش جابجایی کالاهای قاچاق؛ و ...» (کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، ۲۰۰۰: ۲۹).

به نظر می‌رسد اصول فوق می‌توانند تعیین‌کننده سیاست‌های جنایی بین‌المللی در حوزه قاچاق فرآورده‌های نفتی نیز باشند. زیرا قاچاق فرآورده‌های نفتی، نوعی کالا به‌شمار می‌رود که می‌تواند باعث ایجاد فساد در کشورهای مختلف و حتی نظام بین‌الملل شود. از این منظر، قاچاق فرآورده‌های نفتی، سازمان‌یافته، فرامرزی و ضد حقوق و عوارض گمرکی و مقررات محدود یا ممنوع‌کننده ورود و خروج کالا از یک کشور است (احمدی، ۱۳۸۶: ۹۰). بدین ترتیب، کنوانسیون‌ها و قوانین سازمان ملل به‌طور مشخص به قاچاق فرآورده‌های نفتی نپرداخته‌اند، اما توصیه‌ها و تأکیدات آنان در حوزه‌های مختلف حاکی از ارائه چارچوب‌های لازم برای مقابله با جرایمی است که تحت عنوان قاچاق، تأثیرات مخربی بر زندگی ملت‌ها می‌گذارند. به‌عنوان مثال، ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل درباره قاچاق موارد مخدر و داروهای روان‌گردان، اهداف خاصی را بیان می‌کند که به‌دلیل قرار گرفتن موارد مزبور در زمره قاچاق کالا، قابل‌تعمیم به کالاهایی نظیر نفت و فرآورده‌های نفتی نیز می‌باشند. در این ماده چنین آمده است:

« ۱- هدف کنوانسیون عبارت است از بسط همکاری بین اعضای آن به‌نحوی که بتوانند با کارایی و اثر بیشتری ابعاد گوناگون مواد مخدر و داروهای روان‌گردان را که دارای یک قلمرو بین‌المللی هستند، مورد بررسی قرار دهند. اعضای کنوانسیون در مقام اجرای تعهدات خود تدابیر لازم از جمله اقدامات قانون‌گذاری و اجرای خود در چارچوب مقررات اساسی سیستم‌های قانون‌گذاری داخلی خود معمول خواهند داشت.

۲- اعضای کنوانسیون تعهدات خود تحت کنوانسیون را به شیوه‌ای هماهنگ با اصول تساوی حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها و عدم‌مداخله در امور داخلی دولت‌های دیگر ایفا خواهند نمود» (کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، ۱۹۸۸: ۴).

ضمن اینکه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، علاوه بر در نظرگرفتن توصیه‌ها و الزامات مشخص در حوزه قاچاق کالا که می‌تواند شامل فرآورده‌های نفتی نیز باشد، راهکارهایی را نیز ارائه می‌دهند که البته بیش از همه جنبه‌های توصیه‌ای و غیر الزام‌آور دارند. یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که می‌تواند در حوزه سیاست جنایی غیر کیفری جای بگیرد، توجه به نقش مشارکت مردم در کاهش قاچاق است. از این منظر، پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا همراه با مشارکت وسیع جامعه مدنی، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی اهرم‌های تقویتی و نهادهای واسطه دیگری به‌غیر از نهاد پلیس یا قوه قضاییه، از یک‌سو به‌منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی که قوه مجریه و قوه مقننه تهیه و تنظیم می‌کند و از سوی دیگر و به‌ویژه برای فراهم کردن زمینه اجرای آن، استفاده از قدرت رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان در ایجاد اجماع حول یک سیاست جنایی ضروری است (لازرژ، ۱۳۹۰: ۵۰). بدین ترتیب سیاست‌های جنایی در حوزه قاچاق علاوه بر اینکه می‌تواند نقش نهادهایی از جمله پلیس بین‌الملل را نیز به مسائل قاچاق باز کند، به نقش مردم و نهادهای مدنی در راستای کاهش آثار و پیامدهای قاچاق توجه نشان می‌دهد. از این منظر، برای نهادهای بین‌المللی، آنچه حائز اهمیت است، توجه به کاهش فساد و کاهش فاصله طبقاتی است که سایر اقشار جامعه را از فرصت‌های اجتماعی و سیاسی محروم نسازد.

۳- حرمت قاچاق در فقه و آموزه‌های اسلامی

مسئله قاچاق و مخصوصاً قاچاق فرآورده‌های نفتی هرچند به‌طور صریح در آموزه‌های اسلامی بیان نشده است، اما برای پی بردن به نقش مخرب قاچاق در عرصه‌های مختلف می‌توان قواعد کلی اسلام را در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار داد. از آنجایی که فعل قاچاق یک فعل انسانی است پس برای دانستن خیر و شر به آن باید زبان‌ها و اثرات سوء

تأکید می‌کنند و در این زمینه چنین بیان می‌کنند: «یکی از موانع تحقق رونق تولید، «قاچاق» است که امروز به‌صورت دوطرفه درآمد است و علاوه بر واردات قاچاق، برخی اجناس مورد نیاز مردم و بخش کشاورزی نیز از کشور خارج می‌شود» (بیانات رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸).

از این منظر، قاچاق از جمله قاچاق فرآورده‌های نفتی، زمینه‌ساز تضعیف نظام اسلامی است که براساس قواعد مطرح‌شده در آموزه‌های اسلامی نیازمند مقابله و حتی از بین بردن مطلق آن است. چنانچه رهبری انقلاب نیز اهداف قاچاق را نه هدفی صرفاً اقتصادی، بلکه هدفی پنهانی برای تضعیف حوزه‌های مختلف جامعه می‌دانند. به بیان ایشان که می‌فرمایند: «پشت پرده برخی از این موارد صرفاً سودطلبی نیست، بلکه فکر، نقشه و مقاصد سویی در این قضایا وجود دارد که نیروی انتظامی باید با مراقبت کامل، با آن‌ها برخورد کند» (بیانات رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸).

آنچه روشن است اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان اقتصادی و نیز رهبر معظم انقلاب، قاچاق را یک معضل بزرگ و ظلم به مردم دانسته و آن را چالشی بزرگ برای نظام اسلامی بر می‌شمرند. لذا هم از حیث قاعده فقهی لا ضرر و هم جهت جلوگیری از تضعیف نظام اسلامی می‌توان قائل به حرمت فعل قاچاق از نظر شرعی شد.

علاوه بر این، مسأله قاچاق از منظر برهم زدن عدالت اجتماعی در آموزه‌های اسلامی نیز مورد توجه است. چنانچه یکی از اهداف اصلی دین اسلام و قواعد منبعث از آن، برقراری عدالت بیان شده است. بدین ترتیب در نفی قاچاق جهت رعایت عدالت در جامعه اسلامی دلایل متعددی وجود دارد. چه اینکه، سرلوحه خواست اسلام رعایت عدالت در سطح جامعه هست و برقراری عدالت یکی از اهداف اصلی نه فرعی دین است. همچنان که در همین راستا، استقرار عدالت، نفی تبعیض، نفی فاصله‌های طبقاتی جزو آرزوهای بزرگ انبیاء است. به همین دلیل، قرآن مجید اقامه قسط را مسأله اصلی و هدف پیغمبران می‌داند و بیان می‌دارد هدف ارسال

آن مورد بررسی قرار گرفته و ماهیت قاچاق را با یک دقت نظر همه‌جانبه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی از مهم‌ترین قواعدی که در این زمینه می‌توان بدان اشاره کرد قاعده «لا ضرر» است. قاعده لا ضرر همواره نافی احکام ضرری بوده و اثبات‌کننده حکم نیست (التجفی الخوانساری، ۱۴۱۸: ۳۱۷/۱). از این منظر، اغلب فقها و اسلام‌شناسان برای بررسی آثار افعال انسانی به قواعد لا ضرر و لاجرم استناد جسته‌اند (حلی، ۱۴۱۵: ۱۸۳). از این منظر، قاچاق از هر نوع آن که باشد، به دلیل آثار سوئی که برجای می‌گذارد، تحریم شده است که می‌بایست جلوی گسترش آن را گرفت. بنابراین در وهله اول و بر مبنای قاعده لا ضرر، نقش مخرب قاچاق مورد تأکید قرار می‌گیرد و حرمت آن بلاشک است.

به‌علاوه، قاچاق از جمله قاچاق فرآورده‌های نفتی به دلیل آنکه باعث هدر رفت منابع جامعه اسلامی می‌شود، امری محکوم است. زیرا تداوم قاچاق و صدور آن به سایر کشورها باعث تضعیف جامعه اسلامی و تسلط کافران بر مسلمانان می‌شود. مستند این قاعده، آیه زیر است که می‌فرماید: «وَأَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» «و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است». (النساء، ۱۴۱)

بدین ترتیب، یکی از آیاتی که می‌توان اهمیت تولید ملی را از آن استفاده کرد، همین آیه شریفه است که با صراحت تمام بیان می‌کند که جامعه اسلامی باید درصدد باشد که در زیر سلطه بیگانگان و دشمنان قرار نگیرد و روشن است که وابستگی اقتصادی همان‌طور که امام خمینی رحمه‌الله علیه فرمودند منشأ تمام وابستگی‌ها و در نتیجه قرار گرفتن در تحت سلطه بیگانگان خواهد بود. همان‌گونه که ایشان نیز بر اساس آموزه‌های اسلامی چنین بیان می‌کنند: «اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این موجب می‌شود که وابستگی سیاسی هم پیدا بکنیم، وابستگی نظامی هم پیدا بکنیم. مملکتمان باز برگردد به آن حالتی که سابق بود» (بیانات در جمع انجمن اسلامی کارکنان وزارت صنایع و معادن، سال ۱۳۵۸).

ضمن اینکه رهبر انقلاب اسلامی نیز همواره بر مسأله قاچاق به‌عنوان یکی از عوامل وابستگی و هدر رفت منابع ملی کشور

می‌گذارد، متغیر است. ضمن اینکه حرمت مسأله قاچاق بیانگر رویکرد جنایی شدیدی است که در این حوزه اعمال می‌شود.

۴- سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق فرآورده‌های سوختی

سیاست جنایی با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در زمینه قاچاق، تدابیر مهمی را اتخاذ نموده است تا در سایه این قوانین بتواند با مسأله قاچاق مبارزه کند. به همین دلیل، قواعد مختلفی از جمله قاعده لاضرر، نفی سیل و لاجرم در تنظیم و اجرای این قوانین مؤثر هستند. به همین منظور، ابتدا مسأله قاچاق و قاچاق فرآورده‌های نفتی در ایران بررسی می‌شود و سپس سیاست جنایی منبعث از آموزه‌های اسلامی در این زمینه تشریح می‌شوند.

۴-۱- مسأله قاچاق در ایران

کشور ایران به دلیل گستردگی مرزهای خود، همواره با تهدیدات مرزی مواجه بوده است. یکی از تهدیدات نیز مسأله قاچاق فرآورده‌های نفتی است که به دلیل وجود منابع نفتی در کشور به‌وفور دیده می‌شود. ضمن اینکه، موقعیت جغرافیایی کشور که هزاران کیلومتر مرزهای آبی و زمینی مشترک و هم‌جوار با کشورهای قاچاق خیز نظیر امارات، عراق و ترکیه را در پی دارد از یک‌سو و تضاد منافع بیشتر کشورهای همسایه در برخورد با قاچاق کالا، از سوی دیگر، فعالیت قاچاق را در کشور گسترش داده است (سیف، ۱۳۸۷: ۵۶). به دلیل همین شرایط جغرافیایی و تاریخی، علاوه بر مسأله قاچاق فرآورده‌های نفتی، جرایم و قاچاق‌های دیگری نیز دیده می‌شوند که بررسی آنان نیازمند نوشتار دیگری است. به‌طور کلی در این زمینه، جرایم مرزی نظیر قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان نیز می‌تواند موضوع آن قرار گیرد.

توضیح اینکه، قاچاق در ایران دلایل متعددی دارد. باین‌وجود، ناکافی بودن نظارت بر مرزها از جمله علل وقوع قاچاق است. زیرا ناکافی بودن نظارت، سهولت دسترسی به آماج جرم را افزایش می‌دهد؛ بنابراین بایستی تدابیری اندیشید که بتوان از گذر آن‌ها نظارت بیشتری بر مبادی داشت. افزایش قابل‌توجه عبور و مرور مرزی در طول پنجاه سال گذشته و اخیراً ترس از تروریسم، دولت‌ها را وادار کرده است تا روش‌های کنترل مرزی نوینی را طراحی کنند و زمان انتظار و توقف را کاهش

رسل این است که مردم به‌وسیله کتاب و میزان فرستاده شده و همراه انبیا، به عدل و عدالت قیام کنند (النجفی‌الخوانساری، ۱۴۱۸: ۳۱۷/۱).

بنابراین در حوزه‌های اجتماعی از نظر اسلام، مسائل می‌بایست به‌گونه‌ای باشد که عدالت اجتماعی به‌عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین مسأله قاچاق به‌وضوح باعث برهم زدن چنین روابط عادلانه‌ای می‌شود. چه اینکه، رابطه انسان با محیط اجتماعی یک رابطه متقابل و به‌صورت زنجیروار به هم مرتبط است و این ارتباط نباید موجب ضرر به دیگران گردد و در صورت تزامم آن دو باهم، مصالح جامعه مقدم بر حق فرد است و گرنه جامعه دچار هرج‌ومرج می‌گردد. درنهایت اینکه، عدالت، یک هدف عالی اجتماعی است و در راه ایجاد توازن و تکافل بین توانگران و بینوایان و از بین بردن محرومیت‌ها و تحقق دادن یک اجتماع متعاون و همدست و ایمن است (سیدقطب، ۱۳۷۹: ۱۱۰).

به‌علاوه، حرمت مسأله قاچاق از یک‌جهت دیگر نیز در آموزه‌های اسلامی مشهود است. جایی که دین اسلام با تقدم منافع جمعی بر منافع فردی، لزوم توجه به حقوق و مصالح عمومی را در صدر مصالح خویش می‌نشانند. از این منظر، هرچند مالکیت شخصی از نظر دین اسلام مورد احترام است، اما حدود مرز همین مالکیت شخصی تا جایی است که مصالح اجتماع به خطر نیفتد. در اسلام نیز هنگام تزامم مصالح فرد و اجتماع با یکدیگر، مسلماً حقوق اجتماعی بر حقوق فرد ترجیح داده می‌شود و این همان مطلبی است که به‌وضوح از قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» برداشت می‌شود. لذا باید گفت هدف از تحریم فعل قاچاق و قانون‌گذاری در این زمینه، جلوگیری از تضعیف حقوق افراد جامعه و در یک‌کلام گسترش عدالت اجتماعی است.

بر این اساس، آثار و پیامدهای قاچاق در جامعه اسلامی به‌گونه‌ای است که هنگام وقوع آن، نیازمند سیاست‌های جنایی مختلفی است که بتواند از بروز و گسترش آن جلوگیری نماید. بنابراین سیاست جنایی اسلام در قبال مسأله قاچاق بر اساس میزان، هدف، گستردگی و آثاری که بر جای

فرآورده‌های نفتی کالا موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری در امل تولیدی و اشتغال‌زا کاهش یابد. در نتیجه زمینه اشتغال افراد و نیز تولیدات داخلی و ملی کاهش یافته و نیز منجر به کاهش درآمد سرانه و به تبع آن گسترش بیش‌ازپیش در فقر در جامعه می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۶).

در حوزه واردات قاچاقی نیز همین مسأله به‌وضوح دیده می‌شود. چنانچه کالاهای مشابه خارجی که به‌صورت قاچاق وارد کشور می‌شود به علت نپرداختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی قیمتی پایین‌تر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی، حتی در بازارهای داخلی دشوار می‌شود و چه‌بسا به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی بیانجامد که این مسائل نیز موجب بیکاری افراد مشغول به کار در این واحدهای تولیدی شده و نیز رکود فعالیت‌های صنعتی را به دنبال خواهد داشت. ایجاد رکود جریان آتی سرمایه‌گذاری را نیز دچار اختلال می‌کند؛ بنابراین ورود کالاهای قاچاق، سیاست‌های اجرایی دولت را مختل ساخته و به‌عنوان تهدیدی برای تولیدات داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی ندارند، محسوب می‌شود. این پدیده باعث می‌شود که سیاست‌های اجرایی دولت کم‌اثر و حتی در برخی موارد بی‌اثر شده و دولت نتواند اهداف موردنظر خود را برآورده سازد.

۴-۲- سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق فرآورده‌های نفتی

با توجه به آثار و پیامدهایی که قاچاق فرآورده‌های نفتی بر جای می‌گذارند، قوانین و الزامات داخلی متعددی در این زمینه تعبیه شده است که حاکی از تأثیرپذیری قوانین موجود بر اساس آموزه‌های اسلامی است. باین‌وجود، طیف متعددی از قوانین حقوقی، اجرایی، تقنینی و حتی تعزیراتی در زمینه مقابله با قاچاق کالا و ازجمله قاچاق فرآورده‌های نفتی دیده می‌شود که از یک‌طرف حاکی از اهمیت مقابله با این پدیده شوم است و هم از طرفی دیگر، نوعی تداخل کارکردی میان دستگاه‌های مختلف را ایجاد می‌کند.

توضیح اینکه، مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۴ با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی...، سیاست

دهند (McLinden, 2011: 43) تا از گذر تدابیر پیشگیری موقعیت مدار و با افزایش خطر، فرصت ارتکاب جرم از بزه‌کار بالقوه سلب گردد. این اقدامات افزون بر پیشگیری از قاچاق کالا نظری قاچاق فرآورده‌های نفتی، بر پیشگیری از انواع دیگر قاچاق (قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر و...) نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد.

به دلیل آثار مشهودی که قاچاق بر عرصه اقتصادی می‌گذارد، دولت‌ها ازجمله دولت جمهوری اسلامی ایران مصمم هستند تا با اتخاذ رویه‌های اجرایی، قضایی و تقنینی به مقابله با آن بپردازند. ضمن اینکه در این زمینه، طیف متعددی از روش‌ها نیز دیده می‌شود. چنانچه می‌توان گفت در جهت هدایت روند رشد و توسعه داخلی در جوامع جهان سوم، دولت‌ها به چند طریق مداخله و ایفای وظیفه می‌نمایند. هنگامی که دولت‌ها نقش متولی را بر عهده دارند، مقررات و قوانین خاصی را در امر توسعه، تدوین و اجرا می‌نمایند. نوع مقرراتی که تدوین می‌شوند نیز متفاوت هستند زیرا برخی دولت‌ها تشویق و انگیزه‌سازی را هدف قرار می‌دهند ولی برخی دیگر عکس این رویه عمل نموده به‌گونه‌ای که محدودسازی یا جلوگیری از ابتکارات بخش خصوصی را هدف قرار می‌دهند (ثروتی‌بیرق، ۱۳۸۹: ۳۱). باین‌حال، بخش خصوصی، دولتی و تعاون در ایران نیز حائز اهمیت هستند و به همین دلیل اتخاذ تدابیر مؤثر در زمینه مبارزه با قاچاق کالا ازجمله قاچاق فرآورده‌های نفتی می‌تواند باعث شکوفایی هر سه حوزه یادشده گردد.

قاچاق فرآورده‌های نفتی، چه به شکل وارداتی و چه به شکل صادراتی باشد، تأثیرات نامطلوبی بر اقتصاد کشور می‌گذارد. همچنین موجب کاهش تولیدات داخلی و در نتیجه افزایش میزان بیکاری می‌شود و این امر تأثیر نامطلوبی بر تولید ناخالص داخلی می‌گذارد. قاچاق فرآورده‌های نفتی همچنین سبب می‌شود که انگیزه سرمایه‌به‌جای این‌که در امور مولد اقتصادی به یابد، در نتیجه سرمایه به‌جای این‌که در امور مولد اقتصادی به کار افتاده و باعث اشتغال گردد، به‌سوی قاچاق منحرف می‌شود و به این طریق بخشی از منابع در دسترس جامعه از چرخه اقتصاد مولد خارج می‌شود. بنابراین رواج قاچاق

تشریفات گمرکی به قلمرو گمرکی وارد یا از آن خارج گردد و کالایی که بدون انجام تشریفات گمرکی یا از مسیرهای غیرمجاز وارد کشور شود و در داخل کشور کشف گردد را قاچاق محسوب کرده است.

همچنین قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته هر شخصی که مرتکب قاچاق کالا و ارزش و حمل و یا نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز به جریمه نقدی مقرر محکوم می‌شود و در ماده ۱۶ آورده که در صورتی که کالای قاچاق موضوع ماده ۱۵ این قانون با کالای دیگر مخلوط شود و امکان تفکیک وجود نداشته باشد، تمام کالا ضبط و پس از کسر جریمه‌های ماده مذکور و سایر هزینه‌های قانونی به نسبت کالای غیر قاچاق از حامل فروشی به مالک مسترد می‌شود (ماده ۱۵ قانون قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۹۲، از فصل سوم). علاوه بر این، در قاچاق کالاهای ممنوع نیز در ماده ۱۹ قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر ضبط کالا به شش ماه تا دو سال، جزای نقدی معادل ده برابر ارزش کالا و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

در حوزه قضایی نیز تدابیر مهمی برای مقابله با قاچاق کالا از جمله قاچاق فرآورده‌های نفتی دیده می‌شود که بیان‌گر نوع خاصی از سیاست جنایی در این زمینه است. چنانچه در قوانین مربوط به مجازات مرتکبین قاچاق، در امر مبارزه و مقابله با قاچاق کالا، اولویت و تقدم با نظام قضایی بوده و قانون‌گذار با ابقاء صلاحیت نظام قضایی و اصرار بر حفظ آن در طول سال‌های متمادی تنها در موارد بسیار نادر آن‌هم باهدف مساعدت و ارفاق نسبت به متهم به نهادهای اداری اختیار رسیدگی و اعمال واکنش اداری در قبال جرم قاچاق تفویض کرده بود و درواقع نظام عدالت کیفری عهده‌دار اصلی مسؤولیت مبارزه و سرکوبی جرایم قاچاق بوده و مقابله اداری باهدف فوق، بر اصل صلاحیت مطلق دستگاه دادگستری تلقی می‌گردید.

سیاست جنایی در زمینه مبارزه با قاچاق فرآورده‌های نفتی، جنبه عملیاتی و نظامی نیز به خود گرفته است. به این دلیل که ناکافی بودن اقدامات پیشین، نظیر جرم‌انگاری رفتارهای

جنایی را در امر مبارزه با جرایم قاچاق دگرگون ساخته و با انتقال حق رسیدگی و اعمال واکنش کیفری از قوه قضاییه به قوه مجریه (نهادهای اداری-اجرایی وابسته به قوه مجریه) رویکرد نوینی را در سازمان‌دهی امر مبارزه با قاچاق از خود متجلی ساخته که به جرأت می‌توان این اقدام سیاست جنایی را به «قضازدایی موسع» از جرایم قاچاق کالا تعبیر و توصیف نمود چراکه قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی...، با الغای شرایط و قیود ماده (۶) ق.م.ق در راستای مبارزه با قاچاق، اصل را بر مداخله نظام اداری بنا نهاده و در غالب موارد صلاحیت رسیدگی مقامات قضایی در طول صلاحیت مراجع اداری واقع شده است و بدین‌سان نقش قاضی کیفری در اعلام مجازات بسیار محدود گردیده است (آقازاده، ۱۳۹۰: ۴۵). در این قانون قاضی کیفری، تنها در صورت شکایت از اقدامات عوامل اجرایی در خصوص بند (الف) و (ب) ماده (۲) و همچنین زمانی که متهم حاضر به پرداخت جریمه در مرحله اداری با توجه به بند (ب) ماده (۲) نباشد با تقاضای تعقیب کیفری از سوی سازمان‌های شاکی می‌تواند در رسیدگی قضایی دخالت نماید. در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی، دو نوع قضازدایی و کیفرزدایی قابل‌بررسی است. الف) قضازدایی و کیفرزدایی مطلق ب) قضازدایی و کیفر زدایی مشروط (نسبی)

البته در ایران طی سال‌های اخیر تدابیر مختلفی در حوزه تقنینی نیز اتخاذ شده است. بخشی از این اقدامات تحت آیین‌نامه و بخشی دیگر تحت قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی تدوین شده است. به‌طور مثال، پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مطابق، ماده ۶ آیین‌نامه روان‌سازی و سلامت ترانزیت خارجی کالا از کشور، مصوب ۱۳۸۸ مقرر گردیده بود که سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای مسیرهای ترانزیتی را به نیروی انتظامی اعلام کند تا در مسیرهای مذکور نظارت لازم را بر کامیون‌های حامل کالاهای ترانزیتی به عمل آورده و در صورت انحراف کامیون‌ها از مسیر، ضمن هدایت آن‌ها به مسیرهای تعیین‌شده، مراتب را به سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای اعلام نماید. همچنین مقنن در ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، کالایی که از مسیر غیرمجاز یا بدون انجام

مالی در صورتی که قصد حاضر به پرداخت جریمه مقرر نباشد پرونده مهم‌تر جهت تعقیب کیفری و وصول جریمه حداکثر ظرف ۵ روز از تاریخ کشف به مراجع قضایی ارسال می‌گردد و در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالا یا ارز، جریمه متعلق که در هر حال از دو برابر بهای کالای قاچاق یا ارز کمتر نخواهد بود، دریافت می‌گردد (آقازاده، ۱۳۸۲: ۹۰).

باز در حوزه سیاست‌های جنایی و مخصوصاً در حیطه عملیاتی می‌توان گفت مسأله امنیت مرزها و مقابله با ورود قاچاق از مبادی مرزی بسیار مورد توجه دست‌اندرکاران است. مسأله نظارت بر مرزها، امری تجربی است که در سایر کشورها نیز از مزیت‌های آن بهره برده می‌شود. به عنوان مثال، در نیوزلند، سامانه مدیریت مرزی مشترک جهت مدیریت مرزها راه‌اندازی شده است. این سامانه توسط گمرک و یکی از وزارتخانه‌های نیوزلند توسعه داده شده است. این سیستم مراحل مختلفی دارد که به مرور زمان فعال می‌گردد. مرحله اول آن شامل پنجره تجارت واحد است. گفته شده است که از این طریق فرآیند ورود و خروج کالا به کشور سریع‌تر و هوشمندتر انجام می‌شود. از این رو می‌توان بر مرزهای کشور به خوبی نظارت کرد. این سیستم برای فعالان تجاری نیز سودمند است. از این طریق، فعالیت آن‌ها تسریع می‌شود که این امر می‌تواند کارایی زنجیره تأمین را نیز افزایش دهد. بدین ترتیب با استفاده از فناوری‌های نظارت بر مبادی و مسیرها، به مرور زمان انتظار کاهش نرخ جرم می‌رود. البته درخصوص کارآمدی این ابزارها، برخی معتقدند که کشف نشدن تهدیدات و یا شناسایی نادر تهدیدات نشانگر ضعف این ابزارها است. ابزارهای نظارت بر مبادی و مسیرها، مانند نظارت ویدیویی ممکن است منجر به کاهش جرایم شوند، ولی این نتایج، تنها درباره جرایم مشهود و رؤیت‌پذیر میسر است. از سوی دیگر، برخی معتقدند این امر میزان بازدارندگی ابزارها را نشان می‌دهد و نه ضعف ابزارها را. لذا مدیران گمرک با اتکا بر اثر بازدارندگی، میزان کنترل فراگیر پایگاه‌های مرزی را توجیه می‌کنند؛ اما غافل از این که راه‌های دیگری، غیر از راه‌های رسمی که تحت نظارت هستند، برای قاچاق کالا وجود دارد (McLinden, 2011: 43). پس این امکان وجود دارد که به‌هرنحو، کالای قاچاق از مبادی رسمی

پیش‌گفته و نیز قانون‌مند نبودن برنامه‌های پیشگیری غیر کیفری، منجر به تصویب تدابیر قانونی جدید شد. از سویی دیگر، توسل به فناوری‌های نوین در کنترل مرزها امر اجتناب‌ناپذیر است. تحقیقات صورت‌گرفته در مرز ایران و افغانستان نشانگر این است که استفاده از روش‌های الکترونیک عامل تأثیرگذاری در کنترل مرزها خواهد بود (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۶). به همین دلیل، برخی سیاست‌های حاکی از گرایش به سمت بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای مقابله با قاچاق فرآورده‌های نفتی و خروج آن از کشور هستند. بدین‌سان مطابق بند ب ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، با هدف کاهش توقف‌ها و افزایش دقت در کنترل و بازرسی کالا، وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و راه و شهرسازی موظف شدند مبادی ورودی و خروجی و مسیرهای حمل‌ونقل را به امکانات فنی مناسب تجهیز نمایند. از جمله امکانات فنی لازم جهت کنترل کالا در مبادی، دروازه‌های ورود، سیستم‌های پوششگری نظیر اشعه ایکس و اشعه گاما است. این ابزارها با افزایش رؤیت‌پذیری کالا در راستای پیشگیری از وقوع جرم به کار گرفته می‌شوند. افزون بر این، اثر دیگر استفاده از این فناوری‌ها، کاهش زمان توقف از گذر تسریع در امور ورود و خروج می‌باشد. در همین راستا، مطابق قسمتی از ماده ۱۰ قانون پیش‌گفته، دستگاه‌های عضو ستاد علاوه بر وظایف ذاتی محوله، موظف شدند که حسب مورد با هماهنگی ستاد در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نسبت به شناسایی و کاهش نقاط آسیب‌پذیر و نظارت‌های لازم بر مسیرهای ورود و حمل‌ونقل و مراکز نگهداری کالای قاچاق اقدام نمایند. البته این امر مشروط به عدم ممانعت از روند تجارت قانونی شده است.

سیاست جنایی در قبال قاچاق فرآورده‌های نفتی، به همین مجازات‌ها محدود نمانده است. چنانچه مجازات مالی قابل‌اعمال در مرحله قضایی نسبت به مرتکبین قاچاق بهای بیش از ده میلیون ریال اجمالاً در قسمت اخیر ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی بیان شده و در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالا یا ارز، متهم به پرداخت دو برابر بهای کالای قاچاق یا از محکوم می‌شود (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۸۶). ضمن اینکه در ضمن در مجازات‌های

مردم می‌تواند موجب تولید داده‌های واقعی از فضای اقتصادی کشور شود (هرورانی، ۱۳۹۱: ۴). چراکه مردم در هر زمان و هر مکان، بر زنجیره تأمین کالا (دست‌کم در سطح خرده‌فروشی) می‌توانند نظارت داشته باشند. درحالی‌که محدودیت نیروی انسانی باعث شده که بازرسان رسمی به‌صورت تصادفی در مکان‌های مختلف نظارت داشته باشند. ضمناً باوجود نظارت مردمی، نیاز حداکثری به برخورد پلیسی و بازرسی رسمی کاهش می‌یابد. با توجه به این‌که ازجمله عوامل تحقق اهداف طرح، حمایت از مشارکت‌کنندگان مردمی بود. در طرح نیز به این امر تا حدودی پرداخته شده بود؛ بنابراین از افرادی که به تعداد مشخصی گزارشات مؤثقی را اعلام می‌داشتند حمایت مالی بایستی صورت می‌گرفت. البته گویا این امر در سطح گسترده محقق نشده بود.

نتیجه‌گیری

بررسی حاضر نشان می‌دهد که مسأله مبارزه با قاچاق و سیاست‌های جنایی مرتبط با آن هرچند در غرب به‌صورت قوانین مدونی درآمده است، اما به‌لحاظ توجه به آثار و پیامدهای آن و همچنین لزوم مقابله با چنین پدیده‌های ناسالم اقتصادی و اجتماعی، نسبت به آموزه‌های اسلامی متأخر هستند. بنابراین وجود قواعدی ازجمله قاعده لاضرر، نفی سبیل و همچنین توجه به عدالت اجتماعی نشان‌گر تقدم آموزه‌های اسلامی بر الزامات بین‌المللی درزمینه مقابله با قاچاق ازجمله قاچاق فرآورده‌های نفتی است. به‌علاوه اینکه، سیاست جنایی در ایران که منبعث از آموزه‌های اسلامی هستند، نسبت به تدوین قوانین مختلف ازجمله قوانین قضایی، اجرایی، تقنینی و تعزیراتی همت گماشته‌اند که به‌نوبه خود حاکی از توجه دین اسلام به مسأله فساد و عدالت اجتماعی است. همچنین وجود سامانه‌های الکترونیکی نظیر استفاده از فناوری‌های نوین در مرزها و طراحی عملیات گسترده برای مبارزه با قاچاق نشانگر پویایی آموزه‌های اسلامی در این زمینه است؛ چنانچه علاوه بر عملیات مذکور، نقش مشارکت‌های مردمی در مبارزه با قاچاق نیز از نظر دور نمانده است. بنابراین، پیچیدگی، گستردگی و تنوع قاچاق کالا در سطح کشور از یک‌سو و محدودیت در منابع انسانی و امکانات دولتی موجب شد تا مشارکت مردم به‌عنوان یکی از

و غیررسمی وارد کشور شود؛ بنابراین بایستی اقداماتی جهت نظارت بر مسیرها اعمال نمود. به‌عنوان مثال از طریق نصب دوربین در جاده‌ها، کنترل وسایل حمل‌ونقل از طریق ردیاب ماهواره‌ای و... می‌توان از بروز اندیشه مجرمانه پیشگیری نمود. بدین‌سان کنترل مبادی ورودی و خروجی و مسیرهای حمل‌ونقل به‌عنوان تدابیری مبتنی بر پیشگیری موقعیت‌مدار و از گذر افزایش میزان شناسایی و خطر ارتکاب جرم می‌تواند راهکار مناسبی در پیشگیری از تهدیدات مرزی، اعم از قاچاق کالا و جرایم مشابه آن باشد. هرچند همچنان فساد اداری می‌تواند کارایی این تدابیر را کاهش دهد.

یکی دیگر از رویه‌های مقابله با قاچاق فرآورده‌های نفتی، فراهم کردن شرایطی برای امکان مشارکت بیشتر مردم در حوزه‌های مختلف است. این موضوع در قوانین داخلی نیز جایگاه جدیدی پیدا کرده است. به‌طورمثال یکی از ایده‌هایی که در این زمینه مطرح شده است، سامانه «شب‌نم» است. درواقع از طریق طرح شب‌نم، ضریب نفوذ بازرسی و کنترل کالاهای قاچاق و غیرمجاز از طریق نظارت مردمی گسترش یافت (نجف‌پور، ۱۳۹۱: ۱۷۴) بدین‌سان برای نخستین بار در ایران، با اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی، از مشارکت مستقیم مردم در سطح گسترده‌ای جهت پیشگیری از قاچاق کالا استفاده شد. روند کار بدین شکل بود که نظارت مردمی از طریق استعلام کد درج‌شده روی کالا انجام می‌شد و در صورتی‌که هر فردی عدم درج برچسب یا درج برچسب جعلی را مشاهده می‌کرد، می‌توانست با مرکز داده تماس گرفته و اطلاع دهد. همچنین در شیشه درب ورودی برخی فروشگاه‌ها برچسب عضویت آن فروشگاه در طرح چسبانده شده بود. بدین‌سان مردم نیز می‌توانستند تخلف را تشخیص داده، نقش بازرس را ایفا کرده و مرکز طرح را در جریان امر قرار دهند. نتیجه این عمل، کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم، به دلیل کاهش فروش کالای قاچاق بود.

در توجه این امر گفته شده است که مردم اطلاعات نسبتاً دقیقی را در اختیار متولیان امر قرار می‌دهند؛ بنگاه می‌تواند با بازرس تبانی کند، اما تبانی با مردم به دلیل زیاد بودن تعداد آن‌ها، کمتر امکان‌پذیر است؛ همچنین مشارکت حداکثری

ارکان اصلی این طرح برای پیشگیری از توزیع کالای جعلی و قاچاق در سطح بازار پیش‌بینی شود. بدین معنا، برای افزایش مشارکت مردم، بایستی روحیه مشارکت‌جویی مردم تقویت گردد؛ بنابراین مردم بایستی خود را ذی‌نفع در پیشگیری از وقوع جرم بدانند تا به‌صورت ارادی در این امر سهیم شوند. یکی دیگر از لوازم تقویت روحیه مشارکت‌جویی مردم حمایت از ایشان است؛ اعم از حمایت‌های مالی و غیرمالی. البته بایستی به این نکته توجه داشت که مردم بایستی اثربخشی و کارایی مشارکت خویش را لمس کنند تا در فعالیت خود استمرار داشته باشند.

با این وجود الزامات بین‌الملل بیش‌ازپیش در حد توصیه‌های غیر الزام‌آور هستند که به‌دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن از قدرت‌های بزرگ، چندان به مسائل داخلی نظام‌های سیاسی از جمله جمهوری اسلامی ایران نمی‌پردازند. به همین دلیل در زمینه مقابله با قاچاق فراورده‌های نفتی، طیفی از اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی دیده می‌شود که البته همچنان نیازمند اصلاحات جدیدی است که بتواند اشکالات موجود را نیز برطرف سازد. همچنان که می‌توان گفت راهبرد سیاست جنایی در خصوص قاچاق فراورده‌های نفتی که در قالب قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ متبلور گردیده است، متناسب با علت وقوع و ارتکاب قاچاق فراورده‌های نفتی نیست زیرا وضعیت یادشده خنثی‌کننده تمام اقدامات سیاست جنایی موجود در حوزه پیشگیری وضعی است و با آن در تقابل قرار گرفته است زیرا سیاست اقتصادی موجود در باب فراورده‌های نفتی دربردارنده اوضاع وسوسه‌انگیز برای افراد است و از سویی سیاست جنایی در مواردی که بر پیشگیری وضعی تأکید می‌ورزد مقوله حفاظت از سیل و هدف را مطرح می‌نماید که این دو موضع با یکدیگر در تقابل است و خنثی‌کننده اقدامات یکدیگر می‌باشند و تا زمانی که سیاست اقتصادی موجود محل تأمین امرار معاش شهروندان باشد سیاست جنایی موصوف قابلیت مقابله با قاچاق فراورده‌های نفتی را نخواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در نگارش این اثر یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- احمدی، عبدالله (۱۳۸۶). «قاچاق کالا یا تجارت جرم». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۵(۲): ۱۹۱-۱۲۰.
- آقازاده، علیرضا (۱۳۹۰). مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرایم قاچاق کالا و ارز. تهران: انتشارات اندیشه.
- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۲). قاچاق کالا. تهران: انتشارات آریان.
- بجر، ژان لوک و کلوز، نیکلا (۱۳۹۲). «جرم اقتصادی و کنترل آن». ترجمه: شهرام ابراهیمی. مجله حقوقی دادگستری، ۵(۲): ۱۴۷-۱۷۴.
- ثروتی بیرق، سارا (۱۳۸۹). جنبه‌های حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه انتقال تکنولوژی در ایران. به راهنمایی غلام نبی فیضی چکاب، تهران: دانشکده پیام نور تهران مرکز.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حلی، حسین (۱۴۱۵). بحوث فقهیه. الطبعة الرابعة، قم: مؤسسه المنار.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). *از سیاست کیفری تا سیاست جنایی*. تهران: انتشارات میزان.

- نجفی‌الخوانساری، الشیخ موسی (۱۴۱۸). *منیة الطالب - تقرير بحث /التائینی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

- هروروانی، حسین (۱۳۹۱). *بررسی ابعاد طرح شبنم، شبکه بازرسی و نظارت مردمی*. تهران: انتشارات دفتر مطالعات اقتصادی.

ب. منابع انگلیسی

- McLinden, G (2011). *Border Management Modernization*. Washington: D.C, World Bank.

- Pickering, S & Weber, L (2006). *Borders Mobility and Technologies of Control*. Netherlands: Springer Netherlands.

- Tilley, N (2005). *Crime Prevention and System Design, Handbook of Crime Prevention and Community Safety*. Cullompton: Willan.

ج. سایت‌ها

- www.Leader.ir (سایت رسمی آیت الله خامنه‌ای)

- دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- رحمدل، منصور (۱۳۸۵). «قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران به استناد به مصوبه سال ۱۳۸۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۰: ۱۴۷ - ۱۶۹.

- قطب، ابراهیم (۱۳۷۹). *عدالت اجتماعی در اسلام*. ترجمه هادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، جلد اول، تهران: نشر کلبه شروق.

- لازرژ، کریستن (۱۳۹۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.

- محمدی، حمیدرضا و غنجی، محمد (۱۳۸۵). «چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا؛ با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲(۱): ۹۰ - ۱۲۱.

- معین، محمد (۱۳۷۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.